



# آشنایی با بحار الانوار



بخش علمی قبری

○ آشنایی با بحار الانوار  
○ احمد عابدی  
○ همایش بزرگداشت علامه مجلسی،  
با همکاری سازمان چاپ و انتشارات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،  
○ تهران ۱۳۷۸

نظر بزرگان، فصل دوم: ارزش و ویژگی‌های بحار الانوار، فصل سوم: هدف از تألیف بحار الانوار، فصل چهارم: آیا تصمیم علامه مجلسی بر جمع‌آوری همه روایات بوده است؟ فصل پنجم: میزان اعتبار روایات بحار الانوار، فصل ششم: روش علامه مجلسی در بحار الانوار، فصل هفتم: دقت‌های علامه مجلسی در فهم روایات، فصل هشتم: بحث‌های مستقل علامه مجلسی در بحار الانوار فصل نهم: مباحث ادبی در بحار الانوار، فصل دهم: بحث‌های هیئت و نجوم در بحار الانوار، فصل یازدهم: بحار الانوار و مسائل عقلی، فصل دوازدهم: بحار الانوار و فلاسفه، فصل سیزدهم: اشکالات بر بحار الانوار و پاسخ آن‌ها، فصل چهاردهم: تعلیقات بر بحار الانوار، فصل پانزدهم: رساله‌های مستقل در بحار الانوار، فصل شانزدهم: شاگردان علامه مجلسی و بحار الانوار، فصل هفدهم: کتاب‌هایی که هرگز نوشته نشد، فصل هیجدهم: مصادر بحار الانوار، فصل نوزدهم: آثاری پیرامون بحار الانوار، فصل بیستم: آشنایی اجمالی با محتوای بحار الانوار، فصل بیست و یکم: مصححان بحار الانوار، فصل بیست و دوم: تاریخ تألیف مجلدات بحار الانوار، فصل بیست و سوم: چاپ‌های بحار الانوار.

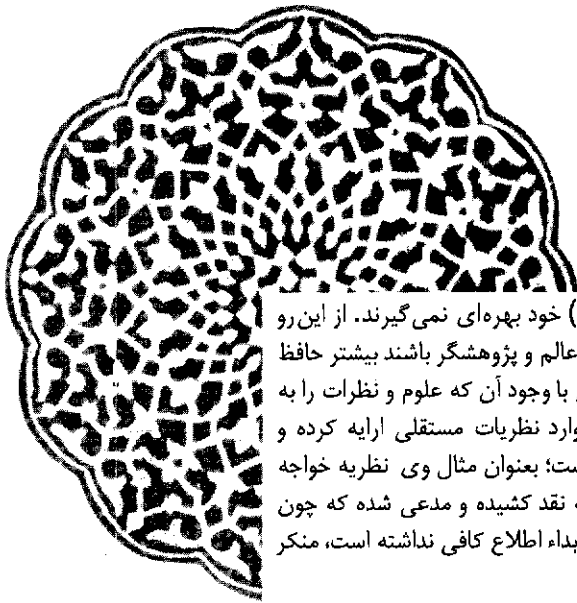
## علامه مجلسی و امر جمع‌آوری روایات

در بدو نظر به آثار علامه مجلسی ممکن است شخص تصور کند که علامه مجلسی شخصیتی متعصب و تک‌جنبه‌ای است اما این توهم به زودی با اندک ژرفنگری در آثارش از میان خواهد رفت. برای اینکه ادعای فوق را ثابت کنیم توجه خوانندگان را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

از علامه محمدباقر مجلسی (۱۳۰۷-۱۱۱۱ ق) آثار زیادی به جا مانده است، اما ام‌الآثار وی دایره‌المعارف عظیم تشیع «بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)» است که در یکصد و ده جلد با مقدمه‌های مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی (پیرامون زندگینامه علامه مجلسی و مؤلفان مصادر بحار الانوار) و باورقی‌های مرحوم علامه طباطبایی چاپ و منتشر شده است. پیرامون کتاب بحار الانوار آثار زیادی به نگارش درآمده است که جدیدترین اثری که در این باره نوشته شده، کتاب حاضر است که به معرفی و بررسی آن می‌پردازیم. همچنانکه از اسم این اثر پیداست معرفی مجموعه عظیم بحار، موضوع اصلی آن است که نویسنده در طی آن، اطلاعات و تحلیل‌های درخوری پیرامون اثر سترگ بحار به خواننده عرضه کرده است. کتاب حاضر در دو بخش «آشنایی با مؤلف بحار الانوار» و «آشنایی با بحار الانوار» گرد آمده است و جمعاً ۳۶ فصل را شامل می‌شود. این اثر علاوه بر مطالب مزبور، مقدمه ناشر و پیشگفتار مؤلف را هم دربر دارد. بخش اول، شامل سیزده فصل است: فصل اول: زندگی‌نامه علامه مجلسی، فصل دوم: علامه مجلسی از نگاه دانشمندان، فصل سوم: مقام محمود، فصل چهارم: حیات طبیعه، فصل پنجم: علامه مجلسی و تربیت شاگرد، فصل ششم: انقلاب درونی، فصل هفتم: ترجمه روایات فصل هشتم: محدثی بزرگ، فصل نهم: تألیفات علامه مجلسی، فصل دهم: استادان علامه مجلسی، فصل یازدهم: علامه مجلسی اول، فصل دوازدهم: تألیفات علامه مجلسی اول، فصل سیزدهم: شاگردان علامه محمدباقر مجلسی.

بخش دوم شامل فصل‌های ذیل است: فصل اول: بحار الانوار از





تألیفات خود از علم مطبوع (عقل) خود بهره‌ای نمی‌گیرند. از این رو این دسته از افراد به عوض آن که عالم و پژوهشگر باشند بیشتر حافظ علوم دیگران‌اند اما علامه مجلسی با وجود آن که علوم و نظرات را به غایت در ذهن داشت در اغلب موارد نظریات مستقلی ارائه کرده و نظریات دیگران را به نقد کشیده است؛ بعنوان مثال وی نظریه خواجه نصیرالدین طوسی درباره بداء را به نقد کشیده و مدعی شده که چون خواجه از روایات اسلامی در زمینه بداء اطلاع کافی نداشته است، منکر اعتقاد به بداء شده است.<sup>۲</sup>

۴) عدم تعصب در استفاده از منابع اهل سنت. علامه مجلسی در حوزه حدیث و روایت آن اندازه تسلط داشت که نه تنها منابع روایی شیعه بلکه منابع حدیثی اهل سنت را نیز مدنظر قرار می‌داد. از این رو برای اثبات نظریه‌ای که مطرح می‌کرد از روایات شیعیان و سنی‌ها استفاده می‌کرد تا به نحوی کامل و تام، بحث خود را بپرواند.

علامه مجلسی به منظورهایی مختلف از احادیث اهل سنت استفاده می‌کرده است. خود او در این زمینه در فصل اول از مقدمه بحار گفته است: «برای تصحیح الفاظ و روایات و تعیین معنای آن‌ها به کتابهای لغت و کتابهای شرح حدیث اهل سنت مراجعه می‌کنم» و ۲۰ کتاب لغت، و ۵۲ کتاب حدیث و ۱۳ کتاب شرح حدیث از اهل سنت را نام برده است که به آن‌ها زیاد مراجعه کرده است. وی می‌گوید: «گاهی روایات اهل سنت را نقل می‌کنم تا پاسخ آن‌ها را بدهم و یا استدلال بر خود آنان نموده و گاهی برای بیان مورد تقیه یا تأیید روایات شیعه آن‌ها را نقل می‌کنم.» و لذا در بحارالانوار روایات فراوانی را مشاهده می‌کنیم که از کتب اهل سنت نقل شده است؛ گاهی با واسطه و گاهی بدون واسطه.<sup>۳</sup>

۵) توجه به ارزش تاثیرگذار ادبیات در فهم حدیث. بدون تردید کسی که در ادبیات عرب گامی برنداشته باشد هرگز نتواند توانست به عمق معنای حدیث پی ببرد، زیرا کاربرد هر یک از معانی مختلف واژه‌ها تأثیر بسزایی در فهم معنایی آن خواهد گذاشت. به علاوه نحوه قرائت و ترکیب جمله می‌تواند تغییراتی در معنا و مفهوم آن به عمل آورد. با وجود وسعت بسیار بحارالانوار، مجلسی هرگز از این مسأله هم غفلت نکرده است.<sup>۴</sup>

#### بحارالانوار در چشم‌اندازها

بدون تردید «بحارالانوار» کار عظیمی است که هیچ انسان منصفی نمی‌تواند و نباید به آن به دیده خرد نگاه کند. جمع‌آوری این همه روایت و نوشتن توضیحات کافی و شافی در ذیل روایات، کار کوچکی نیست. حال اگر بر این همه زحمت، فواید گوناگون، نظریات بدیع علمی و مستندات زیاد را اضافه کنیم قطعاً آرج و منزلت آن صدچندان خواهد شد و واقعیت هم این امر را درباره کتاب بحارالانوار تأیید می‌کند.

۱) جمع روایات گوناگون. مسلماً علامه مجلسی با اشرافی که به منابع روایی عصر خود داشت، روایات زیادی در گستره موضوعی بسیار متنوع جمع‌آوری کرده است.

۲) توجه جدی به درایت احادیث. اگر بگوییم بزرگترین هنر علامه مجلسی، فهم و درک حدیث بود تا جمع حدیث، سخن درستی گفته‌ایم. زیرا وی با تسلط کافی به جوانب مختلف فهم حدیث، آنها را مورد بررسی قرار داده است. به عنوان مثال به بررسی این روایت می‌پردازیم: روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که «خیرالصفوف فی الصلاة، المقدم، و خیرالصفوف فی الجنائز المؤخر» اغلب فقها از این روایت فهمیده‌اند که در نماز میت صف آخر افضل از صف اول است.

شیخ صدوق فرموده: «افضل المواضع للصلاة علی المیت الصف الأخير» در نماز میت صف آخر بهترین مکان است. شیخ حر عاملی عنوان باب ۲۹ از «ابواب صلاة الجنائز» را «باب استحباب اختیار الوقوف فی الصف الأخير فی صلاة الجنائز» قرار داده است. علامه حلی در تذکره الفقهاء و منتهی المطلب و شهید در ذکری همین حکم را از حدیث فهمیده‌اند، در حالی که علامه بزرگوار مجلسی پس از نقل حدیث و کلمات فقها و پس از آن که بیان کرده: «لا یخفی بعد ما فهموه من الخبر لفظاً و معنی» فرموده است: «والذی نفهم من الروایه و هو الظاهر منها لفظاً و معنی أن المراد بصفوف الجنائز صفوف نفس الجنائز اذا وضعت للصلاه علیها، والمعنی: أن خیرالصفوف فی الصلاه الصف المقدم ای ما كان أقرب الی القبلة، و خیرالصفوف فی الجنائز المؤخر ای ما كان أبعد عن القبلة و أقرب من الامام»

علامه مجلسی پس از آن که چهار وجه برای بعید بودن آن چه این فقهای بزرگ از این حدیث فهمیده‌اند، و این که فتوای آنان با لفظ و معنای این حدیث هماهنگ نیست، می‌گوید: «آن چه ما از این حدیث می‌فهمیم - و آن مطابق با لفظ و معنای حدیث است - این است که این حدیث، صف خود میت‌ها را می‌گوید، نه صف نمازگزاران را، یعنی در نمازهای یومیه بهترین صف، صف اول است که به قبله نزدیکتر است، اما در خود جنازه‌ها بهترین صف، صف آخر است که از قبله دورتر و به امام جماعت نزدیکتر است».

سپس علامه مجلسی می‌گوید: «تعجب است که چگونه اصحاب از این معنای روشن حدیث، غفلت کرده‌اند». سبط شهید ثانی فرموده است: «مقصود از این حدیث آن است که گاهی نمازگزار نمی‌داند آن میت زن است یا مرد، و هرچه مرد نمازگزار از آن میت که زن است دورتر باشد، بهتر است و سبب، مستور بودن زن می‌باشد. به همین جهت شارع مقدس، این حکم را به صورت کلی بیان کرده است. هرچند آن میت، مرد باشد» با مقایسه این کلمات و آن فتواها با کلام علامه مجلسی، هیچ تردیدی در برتری فهم علامه مجلسی بر آن‌ها باقی نمی‌ماند.<sup>۱</sup>

۳) نظریه‌پردازی و نقادی: واقعیت آن است که برخی از افراد در





حال جای این پرسش است که چرا با وجود این همه ارج و منزلتی که این کتاب (و به تعبیر صحیح‌تر دایره‌المعارف) دارد عالمان دینی بعضاً به دیده ارج‌گزاری بدان نگاه نکرده‌اند و آن را حتی از درجه اعتبار علمی ساقط دانسته‌اند؟ و آن را به شدت نیازمند تهذیب و پاکسازی دانسته‌اند و حتی توضیحات وی بر احادیث را کم فایده تلقی کرده‌اند؟<sup>۴</sup> و برخی دیگر این کتاب را مملو از احادیث بی‌اساس دانسته‌اند<sup>۵</sup> و بعضی نیز آن را به حدی دارای زواید و حواشی بی‌فایده دانسته‌اند که اگر روایات تکراری‌اش را حذف کنند بیش از بیست جلد از حجم آن کاسته می‌شود؟<sup>۶</sup>

مؤلف کتاب آشنایی با بحارالانوار را به طور جزئی و تفصیلی به این پرسش‌ها پاسخ گفته است و روی هم رفته در این جواب‌ها به چند نکته اشاره کرده است که به طور خلاصه به آنها پرداخته می‌شود:

۱) مجلسی از حدس قوی و زیرکی و ظرافت خاصی در فهم روایات برخوردار بوده است که بر کسی پوشیده نیست. اگر منظور اشکال‌کنندگان آن باشد که توضیحات و مستندات و ... علامه مجلسی کافی نیست. نظرشان درست است اما اگر غیر از این باشد پذیرفتنی نیست<sup>۷</sup>، زیرا وضعیت نبوغ علامه مشخص است و نیاز به چیزهایی که درباره‌اش گفته شده ندارد.

۲) متهم کردن این اثر به اینکه مملو از احادیث بی‌اساس است باید تهذیب شود نیز اشکال واردی نیست زیرا اصل «تهذیب» قابل دفاع نیست چون هر نویسنده‌ای وقتی مطلبی را صائب و درست نیابد از آن بهره نمی‌گیرد پس دلیلی ندارد که اثر او را تهذیب کنند.<sup>۸</sup> بعلاوه علامه مجلسی از جمع و تفسیر و توضیح احادیث هدف اساسی داشته که یکی از آنها این بود که احادیث رایج را از خطر تلف شدن، مصون بدارد.<sup>۹</sup>

۳) اینکه گفته شده مکررات در این اثر زیاد است نیز وارد نیست زیرا اگر مطالب بحار به طور دقیق مقایسه شوند مسلماً فواید ذکر مطالب در اغلب جاها مشهود خواهد شد.<sup>۱۰</sup>

### نظر نگارنده و ارزیابی

اگرچه نویسنده محترم با دقت و زحمت فراوان و مستندات ارجمندی از بحار دفاع کرده است اما گمان می‌رود از یک مسأله غفلت ورزیده است و آن میناسازی دفاعیات ایشان از بحار است. جواب‌های موردی با بهره‌گیری از منابع قطعاً کاری شایسته است اما مسلماً روش علمی این نیست که مورد به مورد اشکال‌های طرح شده جواب داده شود بلکه اگر ابتدا قالبی طرح‌ریزی شود و اشکالات در چارچوب آن‌ها مطرح شود مسلماً خواننده هم می‌تواند با تکیه بر آنها و میناهای آرایه شده از اثر یاد شده دفاع کند و یا آن را مورد نقد قرار دهد.

از این جهت نگارنده بدون آن که به نقد روش علامه مجلسی در پردازش و تدوین و تألیف دایره‌المعارف بحار بپردازد در تکمیل دفاعیات

نویسنده نکاتی یادآور می‌شود:

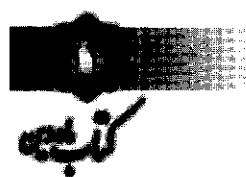
۱) با اعتراف به حفظ حق ناقدان بر این نکته تأکید می‌کنیم که علامه مجلسی عالمی از علمای بزرگ به‌شمار می‌رود و دارای نظریاتی در حوزه کار خود می‌باشد. بنابراین که وی عالم و دانشمند رشته‌های مربوطه است نظریات وی همان اندازه محترم است که نظریات دیگران. مسلماً وقتی عالمی دست به تألیف می‌زند از نگاه و نگرش خود روش مناسبی را در پیش گرفته و کار خود را به سرانجام می‌رساند و بنابراین «تهذیب» و «اصلاح» و «تقیح» و ... معنا و مینا پیدا نمی‌کنند. بلکه هیچ ایرادی ندارد که فردی برجسته اثر عالمی را به نقد بکشد و با توجه به معیارهای شناخته شده نکات منفی و مثبت آن را بنمایاند اما این کار را نباید با عنوان تهذیب انجام دهد.

۲) در عین اینکه درباره آیات کتاب مقدس قرآن عظیم هیچگونه چون و چرایی از جهت صدور نمی‌توان کرد اما روایات اسلامی (بجز متواترات که صد در صد اتفاق نظر پیرامون آنها وجود داشته باشد) چنین نیستند. بنابراین وقتی این اصل را پذیرفته باید بپذیریم که عالمان دینی با توجه به تحقیقات علمی و معیارها و روش‌های پذیرفته شده، می‌توانند اظهار نظر نکنند. علامه مجلسی هم از جمله این علما است. لذا به صرف اینکه عالمی مستندات بحار را بپذیرد مجاز نیست ارج و ارزش اثری را منکر شود. بلکه حق نقد و بررسی و نگاه از چشم‌انداز دیگر برای سایر علما محفوظ است.

۳) نکته پایانی این که به نظر نگارنده لزومی ندارد که از کلیت یک اثر دفاع شود، بلکه وقتی ایرادی منطقی به اثری وارد باشد باید آن را تصدیق کرد - هرچند که این پذیرش مبنای تصرف در اثر عالمی نمی‌شود - و بلکه باید از این اتفاق و جزایات میمون و مبارک تمجید کرد که در حوزه علمی تشیع، نقد و بررسی آن قدر ارزش دارد که سایه عظمت بزرگانی چون مجلسی هم نمی‌تواند مانع آن شود. بی‌شک اگر از علامه مجلسی همین یک اثر را داشتیم آن قدر او را در دیدگان عالمان بزرگ می‌کرد که ابهت و عظمت وی مانع از نگرش نقادانه به وی و اثر وی شود که آثار ارجمند دیگری هم از این بزرگوار در دسترس داریم. اما چقدر شکوهمند است که این بزرگی‌ها هرگز مانع از کنجکاوی و نکته‌سنجی و در یک کلام نقد بزرگان دیگر نشود. لذا هم نویسنده محترم کتاب حاضر و هم سایر افراد باید از این همه آزادی در نقد آثار در حوزه‌های علمی تشیع خوشوقت باشند.

### بحارالانوار دایره‌المعارف سترگ تشیع

اگر کسی به طور گذرا به بحارالانوار نظری بکند متوجه عظمت این اثر خواهد شد و اعتراف خواهد کرد که پدید آوردن اثری اینچنین شگرف مطمئناً روح بلند و همت والایی می‌طلبد. درواقع باید بگوییم که بحارالانوار اولین دایره‌المعارف تشیع در جهان است که علامه مجلسی به تنظیم و تألیف آن اقدام کرده است.





طاقت فرسای عارفان در تلطیف عقاید اسلامی و آرایه جلوه دلپذیری از خداوند را مورد انکار قرار دهد. اندک نگاهی به زندگینامه پدر بزرگوار علامه مجلسی و عارفان پیش از او این ادعا را مورد تأیید قرار می‌دهد. درحالی که در اثر حاضر به دیده تحلیلی و انتقادی به این مسأله پرداخته نشده است. هیچ اشکالی نداشت که نویسنده محترم از این جهت هم به حیات علمی علامه و اثر بزرگش بحارالانوار نظر می‌کرد و کاستی‌های آن حداقل از این جهت را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌داد تا در اثر این غفلت، حقی از عارفان و فیلسوفان ضایع نشود. البته نگارنده واقف است که دواعی و علل و دلایلی که باعث نگرش بدبینانه علامه به فیلسوفان و عارفان ممکن است قابل پذیرش باشد اما تحلیل و تجزیه این مسایل می‌تواند به خواننده روشنگری خاصی عنایت کند.<sup>۱۳</sup>

پیشنهاد نگارنده درباره بحارالانوار این است که ای کاش دستگاه‌های فرهنگی کشور، مجموعه‌ای تشکیل دهند تا این اثر عظیم را از حالت سنتی که موارد استفاده آن را محدود کرده است با استفاده از شیوه‌های نوین دایره‌المعارف‌نویسی بیرون آورند تا استفاده بهینه‌ای از این اثر به عمل آید. به گمان نگارنده ترجمه این اثر بزرگ و تبدیل آن به دایره‌المعارف نوین تشیع گام بسیار بزرگ در راه احیای مجلسی و احیای تشیع می‌تواند به حساب آید. به علاوه می‌توان نظرات دیگران را تحت عنوان نقد این اثر آورد تا کاستی‌های آن هم از چشم خوانندگان مفلول نماند چنانکه چنین کاری درباره اعیان الشیعه صورت گرفته است.

#### پاورقی‌ها:

- ۱- آشنایی با بحارالانوار، صفحات ۱۵۵-۱۵۷.
- ۲- همان، ص ۱۹۰.
- ۳- آشنایی با بحارالانوار، ص ۱۴۸ به نقل از بحار، ج ۱، ص ۲۵ و ج ۲۳، ص ۱۰۶ و ج ۲۸، ص ۲۳۰ و ج ۳۷، ص ۱۷۱ و ...
- ۴- جهت اطلاع بیشتر نک: آشنایی با بحارالانوار، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.
- ۵- آشنایی با بحارالانوار، ص ۱۹۶ به نقل از اعیان الشیعه.
- ۶- همان، به نقل از شرح مقدمه قیصری.
- ۷- همان، به نقل از مقدمه میزان‌الحکمه.
- ۸- آشنایی با بحارالانوار، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.
- ۹- همان، ص ۱۹۷.
- ۱۰- همان، ص ۱۹۹.
- ۱۱- همان، ص ۲۰۰.
- ۱۲- آشنایی با بحارالانوار، ص ۲۶۱.
- ۱۳- ناگفته نماند که مؤلف محترم اعتراض خود را پنهان نکرده اما صد البته این گونه گفتار رسا نیست (ر.ک. آشنایی با ... ص ۱۹۲).

اثبات این ادعا چندان مشکل نیست، بلکه اگر مراد از دایره‌المعارف را مجموعه‌ای از اطلاعات منسجم و همه‌جانبه پیرامون موضوع واحدی بدانیم که جنبه ترکیبی دارد، نسبت دایره‌المعارف دادن به بحارالانوار نیاز به استدلال هم ندارد. در این اثر تشیع از دو جنبه عقلی و نقلی مورد بررسی قرار گرفته است.

علامه مجلسی بحارالانوار را نخست در بیست و پنج مجلد بزرگ قرار داد. آنگاه جلد پانزده را دو بخش و در دو مجلد قرار داد، از این رو مجلدات بحار ۲۶ جزء می‌باشد.

بحارالانوار دارای ۴۴ کتاب و ۲۴۸۹ باب است. اما کتاب فهرس مصنفات الاصحاب - که علامه مجلسی ابتدا آن را تألیف نموده و بحارالانوار را بر اساس آن گردآوری نمود - دارای ۲۸۴۸ باب است. بنابراین اگر کسی تنها عنوان باب‌های بحارالانوار را جمع‌آوری کند، خود کتابی مستقل و بزرگ خواهد شد.<sup>۱۴</sup>

محتوای جزئی بحارالانوار را می‌توان در موارد کلی زیر تقسیم‌بندی کرد:

- (۱) علم، عالمان و اقسام و اصناف آنان
- (۲) توحید، نبوت، معاد و ائمه و اصحاب پیامبر و یاران آنان
- (۳) حوادث پس از پیامبر و اخبار خلفا
- (۴) طبیعت و ماورای طبیعت
- (۵) ایمان، یقین و اخلاقیات
- (۶) مواظب (خواننده پیامبر اکرم (ص))، ائمه (ع)، بلوهر و بوداسف (بودا)
- (۷) فضایل و آداب قرائت قرآن و ...
- (۸) زکات و صدقه و سایر اعمال عبادی
- (۹) زیارت و آداب آن
- (۱۰) روایات فقهی و عقد و ایقاعات و سایر ابواب فقه
- (۱۱) اجازات فقهی‌های شیعه.

#### یک نظر و یک پیشنهاد:

با تورقی که نگارنده در کتاب ارزنده «آشنایی با بحارالانوار» کرد در عین ارج‌گذاری به زحمات نویسنده محترم یادآوری یک نکته را ضروری می‌داند و آن اینکه وقتی یک اثری مورد بررسی علمی قرار می‌گیرد لازم و شایسته است از هرگونه گرایش‌های بوی غیرعلمی از آن به مشام می‌رسد، پرهیز کرد. هیچ ایرادی نخواهد داشت که در کنار ارج‌گذاری کار سترگی چون بحارالانوار این نکته هم تذکار داده می‌شد که در بحارالانوار دو دسته از بزرگانی که در بسط و گسترش فرهنگ نقش انکارناپذیر داشته‌اند یا غفلت شده و یا مورد سرزنش و بی‌حرمتی و ... قرار گرفته‌اند. این دو دسته فیلسوفان و عارفان هستند. هیچ اندیشمند منصفی نمی‌تواند نقش و اهمیت فیلسوفان در بسط و گسترش معارف اسلامی و شیعی را نادیده بگیرد. و نیز هیچ منصفی نمی‌تواند زحمات

